

نقش وعده و وعیدهای الهی در شکل‌گیری تمدن با تکیه بر آیات قرآن کریم



حمید الهی دوست*

چکیده

ایجاد و شکل‌گیری هر تمدنی بر پایه مؤلفه‌هایی استوار است که لازمه آن تمدن به شمار می‌رود. در دیدگاه اسلامی، دین مبین اسلام نه تنها یک دین به تمام معناست، بلکه راهبرد آن برای تمامی اعصار و قرون است. امروزه که با گستره مدنیت و شهرنشینی و اندیشه‌های مختلف در ایجاد تمدن روبرو هستیم، از فحوای آیات قرآن می‌توان دستورالعمل‌هایی را برای ایجاد تمدن و همچنین گسترش و جلوگیری از زوال آن به دست آورد. از جمله مؤلفه‌هایی که زیرساخت‌های لازم را جهت ایجاد تمدنی قرآنی - اسلامی مطابق با فطرت بشریت فراهم می‌کند، «وعده و وعیدهایی» است که خداوند مکرر در قرآن به آن‌ها اشاره دارد و با استفاده از آن در صدد ترسیم مسیر زندگی سعادت‌مند انسانی است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که وعده و وعیدهای قرآنی چگونه در شکل‌گیری تمدن تأثیرگذار است و با استفاده از مطالعه میدانی و بررسی تطبیقی آیات، مؤلفه‌های قرآنی تأثیرگذار در ایجاد و گسترش تمدن اسلامی معرفی می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، اسلام، وعده و وعید، تمدن، تبشیر

*مدیر گروه قرآن جامعه المصطفی العالمیه واحد اصفهان
hamidelahidoost@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

صفحه ۴۴ تا صفحه ۶۱

۱. مقدمه

قرآن کریم اقیانوس بی‌کرانی است که غوّاص آن همواره لؤلؤ و مرجان از آن استخراج می‌کند و شناور آن به ژرفایش دست نمی‌یابد؛ عجایب آن تمام نمی‌شود و تا برپایی قیامت، مشعل هدایت بشریت است. تنوّع موضوعات قرآن آدمی را به کاوشی نو در حقایق آن دعوت می‌کند. این کتاب آسمانی با تبشیر و اندازهای خود به انسان وعده به خیر می‌دهد یا از خطرات برحذر می‌دارد. واژه «وعد» و مشتقات آن ۸۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است. جهت‌گیری اصلی برخی از این وعده‌ها، بیان مؤلفه‌های مورد نیاز جهت تشکیل تمدن اسلامی یا پیشرفت و تعالی آن است.

مؤلفه‌های بسیاری در شکل‌گیری یک تمدن [دینی] مؤثر هستند؛ از جمله: پیامبران الهی، کتاب‌های آسمانی، وعده و وعیدهای الهی، حاکمان و فرهیختگان جامعه، متون درسی، نظم و برنامه‌ریزی، مراکز فرهنگی (کتابخانه‌ها، آموزش و پرورش و متولیان آموزش‌های دینی)، معماری‌ها، کتیبه‌ها و میراث‌های فرهنگی. گرچه در میان تمدن‌های شناخته‌شده بشری به تمدن‌های دین‌پایه کمتر توجه شده است (جان‌احمدی، ۱۳۸۶، ۲۷)، اما برخی پژوهشگران با در نظر گرفتن این واقعیت تاریخی، اندیشه دینی را عامل اساسی برپایی تمدن می‌دانند و معتقدند ادیان الهی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم نقش اساسی در شکل‌گیری و پیشرفت تمدن‌ها بر عهده دارند.

با توجه به گستردگی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تمدن‌سازی، آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود، نقش وعده و وعیدهای الهی در تشکیل و پیشرفت تمدن است.

۲. مفهوم‌شناسی وعده، وعید و تبشیر

«وعد» کلمه‌ای است که دلالت بر امیدوار بودن به سخن شخص دارد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ۱۲۵). در تعریفی دیگر، «وعد» عبارت است از: قول دادن به انجام دادن عملی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ۴۶۳). برخی دیگر گفته‌اند که «وعد» یا «وعد» در خیر و شرّ استعمال می‌شود و گاهی «وعد» در خیر و «ایعاد» و «وعید» در شرّ به کار می‌رود و از آن به تهدید یاد می‌شود (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ۵۵۱؛ فیتومی، ۱۴۱۴، ۶۶۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ۱۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۲، ۸۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۶۲).

در کتاب فرهنگ بزرگ سخن «وعد» چنین تعریف شده است: «قولی که به کسی درباره انجام عملی داده می‌شود یا قراری که با کسی درباره انجام عملی گذاشته



می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ۸۲۴۶). همچنین در کتاب *فرهنگ جامع فارسی* آمده است: «وعد» به فتح واو و دال مهمله: نوید دادن و این، در خیر استعمال می‌شود؛ چنانچه «وعید» و «ایعاد» در شر استعمال می‌شود و گاهی «وعده» در خیر و شر هر دو استعمال می‌شود، لیکن در خیر و نیکی بیشتر استعمال می‌شود» (پادشاه (شاد)، ۱۳۶۳، ج ۷، ۴۵۰۹-۴۵۰۸). به طور خلاصه می‌توان گفت: «وعد» یا «وعده» دارای دو کاربرد عام و خاص است. هرگاه این واژه به تنهایی به کار رود، در خیر و شر استعمال می‌شود (استعمال عام)؛ اما اگر مقابل «وعید» یا «ایعاد» به کار رود، «وعد» در خیر و «وعید» یا «ایعاد» در شر استفاده می‌شود (استعمال خاص). در قرآن کریم، این واژه در مورد خداوند متعال، انسان و شیطان به کار رفته است. در مورد «تبشیر» نیز راغب اصفهانی در *مفردات ألفاظ القرآن* می‌نگارد: «تبشیر» بشارت دادن به خیر را گویند؛ مانند سخن خداوند [که فرمود]: «وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده ده، که برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است (بقره: ۲۵). گاهی نیز این واژه در بشارت دادن به شرّ و عذاب استعمال می‌شود؛ مانند آیه «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»: منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است (نساء: ۱۳۸)» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۲، ۱۲۴). بشارت به عذاب در مورد کفار و منافقان به صورت استعاری به کار رفته است؛ چون چیزی که باید آن‌ها را شادمان کند به صورت خبر عذاب در می‌آید (همان). هر چند این معنا در قرآن کریم کم‌کاربرد است؛ ولی طبرسی در *جوامع الجامع* آن را از باب استهزاء و تهکم (ریشخند) دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۹۵). شاید کامل‌ترین و جامع‌ترین تفسیر در این مورد را بتوان در *تفسیر نمونه* یافت. «تبشیر» در این تفسیر چنین معنا شده است: «هر نوع خبردانی است که اثر آن در بشره و پوست انسان ظاهر شود؛ بنابراین در خیر و شرّ استعمال می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۳، ۴۹۲).

۳. پیشینه پژوهش

درباره تمدن پژوهش‌های زیادی انجام شده است. مهم‌ترین منابع در این موضوع، کتاب *مقدمه ابن‌خلدون و تاریخ تمدن* و *ویل دورانت* است. در بحث مؤلفه‌های قرآنی تمدن‌ساز نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

کتاب *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی* نوشته اصغر منتظرالقائم و زهرا سلیمانی

(۱۳۹۲)، مقاله «کارکرد تمدن قرآنی، یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی» نوشته محسن الویری (۱۳۹۷)، مقاله «نقش انبیا در پیشرفت تمدن بشری» نوشته غلام‌حسن محزومی (۱۳۹۸)، مقاله «نقش پیامبران در تمدن جهان» نوشته محمدرضا ابراهیم‌نژاد (۱۳۸۵)، مقاله «تأثیر هجرت انبیاء الهی بر تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم» نوشته آرمان فروهی (۱۳۹۹) و مقاله «تبیین مؤلفه‌های تمدن‌ساز در شخصیت حضرت موسی علیه السلام از دیدگاه قرآن کریم» نوشته مهدی ساغری‌زاده و علی لطفی (۱۳۹۹).

گرچه در هر یک از پژوهش‌های فوق، تلاش شده تا برخی از مؤلفه‌های تمدن‌ساز در قرآن کریم معرفی شود، اما موضوع پژوهش حاضر از سوی هیچ‌یک بررسی نشده است.

۴. سنت تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی و راز آن

خداوند متعال در قرآن کریم تصریح فرمود که وعده‌های او تخلف‌ناپذیر هستند. به این آیات توجه کنید:

«وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ»: و آنان از تو [از روی مسخره و ریشخند] شتاب در عذاب را درخواست می‌کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند. (حج: ۴۷)

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»: پس هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. (فاطر: ۴۳)

حال سؤال این است: بی‌وفایی انسانی که خلف وعده می‌کند از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ انگیزه انسانی که با دیگری قول و قرار می‌گذارد و سپس خلف وعده می‌کند چیست؟ گاه خواب او را می‌رباید و از قرار غفلت می‌کند؛ گاه فراموشی او را احاطه می‌کند و از وفای به عهد باز می‌ماند؛ گاه عاجز از انجام وعده می‌شود و به خاطر موانع تکوینی خلف وعده می‌کند؛ گاه نیاز خود را ضروری‌تر از نیاز دیگران می‌بیند؛ گاه فقر بر او چیره می‌شود و گاه بخل او را فرا می‌گیرد. به نظر می‌رسد همه انگیزه‌های خلف وعده در آدمی به نقص، عجز، نسیان و نیاز او برمی‌گردد؛ اما با توجه به اینکه انگیزه‌های خلف وعده در ذات خداوند متعال راه ندارد، خلف وعده نیز در ساحت قدس ربوبی محال است. وجود آیات گوناگونی که عظمت و کامل بودن ذات اقدس الهی را نشان می‌دهد، راه نداشتن خلف وعده در کمال مطلق را بیان می‌کند. خداوند متعال کمال مطلق و دارای کامل‌ترین اسماء نیکوست؛ همچنان که در آیات نورانی قرآن می‌خوانیم: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ



الْحُسْنَى: و نیکوترین نامها [به لحاظ معانی] ویژه خداست (اعراف: ۱۸۰): «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»: خدا بر هر کاری تواناست (بقره: ۲۰): «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»: و او [به قوانین و محاسبات] همه چیز داناست» (بقره: ۲۹): «لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ»: هیچ‌گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی‌گیرد (بقره: ۲۵۵): «لَا يَضِلُّ رَبِّي وَ لَا يَنْسَى»: که پروردگارم [بر پایه آن، در پاداش دادن و کیفر نمودن] نه اشتباه می‌کند و نه از یاد می‌برد: «وَ لِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»: و میراث آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست (اعراف: ۱۸۰ و حدید: ۱۰): «وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»: در حالی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین در سیطره خداست (منافقون: ۷): «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»: ای مردم، شما باید نیازمندان به خدا و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است (فاطر: ۱۵).

انگیزه خلف وعده همواره به صفات نقص بر می‌گردد و این انگیزه در وجود خداوند راه ندارد؛ بنابراین خلف وعده از خداوند متعال ممکن نیست. از این رو قرآن کریم در بیش از ۲۰ آیه بر حقانیت وعده‌های الهی اصرار می‌ورزد.

از ناحیه مانع خارجی نیز، هیچ موجودی در جهان که بالاتر از خداوند متعال یا در ردیف او باشد و بتواند از اراده الهی ممانعت کند وجود ندارد؛ بلکه هر چه در عالم هست مملوک و مخلوق اوست و بدون اذن الهی نمی‌تواند در عالم تصرف کند. از این رو، از جهت مانع خارجی نیز ممانعتی برای تحقق وعده‌های الهی نیست. خداوند در سوره یس فرمود: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»: جز این نیست که کار و شأن او این است، هنگامی که وجود چیزی را بخواهد، به او می‌گوید: «باش»، پس می‌باشد (هیچ مانعی در میان نیست و به مجرد اراده، وجود یافته، گویی به او گفته: «باش»، و او موجود شده است) (یس: ۸۲). از این آیه، تخلف‌ناپذیری وعده‌های الهی به لحاظ مانع خارجی استفاده می‌شود. علامه طباطبایی نیز به این نکته اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ۷۶).

۵. وعده‌های الهی و فرهنگ‌سازی جامعه

خداوند متعال در قرآن کریم وعده‌های فراوانی را بیان فرمود، تا فرهنگ جامعه را صبغه الهی ببخشد و سبک زندگی رتانی را ترسیم نماید. این وعده‌ها ادبیات جامعه را متحول و فضای معنوی را در جامعه شکوفا و بالنده می‌کند. وعده‌های الهی دارای اقسامی است که در ادامه معرفی می‌شود:

۱-۵. اقسام وعده‌های الهی

وعده‌های الهی به مطلق و مشروط تقسیم می‌شود؛ لیکن هر دو قسم در نحوه نگرش انسان به فرهنگ و تمدن بشری تأثیرگذار است. در ادامه، این اقسام با نمونه‌های آن معرفی می‌شود:

۱-۳. وعده‌های مطلق: وعده‌هایی است که خداوند متعال برای تحقق آن‌ها شرطی قرار نداده است. به آیات زیر توجه کنید:

وعده برپایی قیامت:

«قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَغْدُمُونَ» بگو: شما را وعده‌گاه روزی است (روز مرگ یا روز واپسین) که هرگز ساعتی از آن تأخیر نمی‌کنید و پیشی نمی‌گیرید (سبأ: ۳۰)؛

«إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لَوْفَعِيهَا كَاذِبَةٌ»: آن‌گاه که آن واقعه (واقعه قیامت) واقع شود، در واقع شدن آن دروغی نیست و سزا نیست کسی آن را دروغ شمارد (واقعه: ۱ و ۲).

نوید برپایی حکومت صالحان:

«وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»: و حقا که ما [در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ و] در زبور [داوود] پس از ذکر (تورات موسی) [و در قرآن پس از آن کتاب‌ها]، نوشتیم و مقرر کردیم که همانا [ملکیت و حاکمیت و استفاده تام از برکات] این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد (از دست غاصبان و امامان جور به امامان عدل و خلفای آن‌ها منتقل خواهد شد) (انبیاء: ۱۰۵). این نوید، در موفقیت‌های حضرت موسی علیه السلام - مثل پیروزی او و بنی‌اسرائیل بر فرعونیان و نیز در ورود به فلسطین (ارض مقدسه) - تأثیرگذار بود و زمینه برپایی حکومت حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام را در این منطقه فراهم کرد.

«وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»: در حالی که ما اراده داشتیم تا بر آن‌هایی که در آن سرزمین مستضعف شده بودند منت نهمیم و آن‌ها را پیشوایان [مردم] و وارثان [روی زمین] سازیم» (قصص: ۵)؛

«وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الذِّبْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»: خداوند به کسانی از شما [مسلمانان] که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در روی زمین جانشین [خود] کند و حکومت بخشد؛ همان‌گونه که کسانی را



که پیش از آن‌ها بودند [مانند مؤمنان قوم نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ، هود عَلَيْهِ السَّلَامُ، صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ و یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ] جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آن‌ها پسندیده است (دین اسلام) برای آن‌ها مستقر و استوار سازد و بی‌تردید حال آن‌ها را پس از بیم و ترس، به امن و ایمنی تبدیل نماید (نور: ۵۵). در روایات آمده است که این آیه مربوط به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۲۳۹). در دعای افتتاح هم پیرامون ظهور آن حضرت فرازی آمده که تفسیر مصداقی این آیه است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الذِّبْنَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا»: خدایا او را دعوت کننده به کتاب (آسمانی) خود و قیام کننده به دینت قرار ده و او را در زمین خلیفه خود گردان؛ چنانکه پیشینیان او را امام و خلیفه گردانیدی. او را برای حفظ دین او که پسندت دوست تمکین ده و خوف او را پس از این مدت به ایمنی بدل گردان؛ تا تو را بپرستد و هیچ به تو شرک نیاورد (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ۱۱۰).

مرگ همه انسان‌ها:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»: هر جاننداری (به ناچار) چشنده مرگ است (آل عمران: ۱۸۵؛ انبیاء: ۳۵؛ عنکبوت: ۵۷):

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ»: هر کجا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در میان حصارها و قصرهای برافراشته باشید (نساء: ۷۸):
«نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ»: ماییم که مرگ را در میان شما (از نظر اسباب و مدت و تقدیم و تأخیر) مقدر کردیم و هرگز ما در اراده مغلوب نمی‌شویم (واقعہ: ۶۰):
«قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ»: بگو: بی‌تردید آن مرگی که از آن می‌گریزید با شما ملاقات خواهد کرد (جمعه: ۸).

حشر عمومی انسان‌ها در سرای آخرت:

«وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»: و آن‌ها را (همه زنده‌هایی را که به مرگ در زمین فرو شده‌اند) گرد آوریم و هیچ‌یک از آنان را وا نمی‌گذاریم (کهف: ۴۷):
«قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»: بگو: اوست آن که شما را در این زمین بیافرید و [در آخرت] به سوی او گرد آورده می‌شوید (ملک: ۲۴).

امداد الهی:

«كُلًّا نُمِدُّ هُوَلاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»: هر یک از اینان

و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را از عطای پروردگارت مدد می‌رسانیم و عطای پروردگار تو هرگز [از کسی] ممنوع نیست (در دنیا همه نعمت‌های معنوی و مادی در اختیار همه بشر از مؤمن و کافر قرار داده شده است) (اسراء: ۲۰).

وعید به عذاب در دنیا:

«سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ»: زودا که آیات [و نشانه‌های عذاب] خود را به شما [در دنیا و سپس در آخرت] نشان دهم؛ پس از من شتاب نخواهید (انبیاء: ۳۷).

بازگشت به سوی خداوند:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: همانا ما از آن خداییم (ملك حقیقی اویسیم، به ملاک آنکه خلق و حفظ و تدبیر امور و اعدام ما به دست اوست) و همانا به سوی او بازخواهیم گشت (بقره: ۱۵۶)؛

«ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»: سپس [در قیامت در قالب همان بدن] به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید (بقره: ۲۸).

بازگشت پیامبر اسلام ﷺ به مکه:

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»: یقیناً کسی که [ابلاغ و عمل کردن به] قرآن را بر تو واجب کرده است، حتماً تو را به بازگشت‌گاه [رفیع و بلند مرتبه‌ات (شهر مکه)] بازمی‌گرداند (قصص: ۸۵).

۱۵-۲. وعده‌های مشروط

وعده‌های مشروط وعده‌هایی است که متوقف بر انجام کاری است؛ که اگر انجام گیرد، وعده الهی در پی آن محقق خواهد شد. نمونه‌هایی از این وعده‌ها عبارت است از:

۱۵-۱-۲. وعده به خیر

نزول باران و امداد الهی در سایه استغفار:

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً»: پس [به آنان] گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است؛ تا بر شما از آسمان باران پی‌درپی و با برکت فرستد و شما را با اموال و فرزندان یاری کند و برایتان باغ‌ها و نهرها قرار دهد (نوح: ۱۲-۱۳)

نزول برکات از رهگذر تقوی:

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»: و اگر اهل



شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم (اعراف: ۹۶).

خروج از مشکلات در پناه تقوی:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»: و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد (طلاق: ۲).

بصیرت، ثمره تقوی:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُزُوقًا»: ای اهل ایمان! اگر [در همه امورتان] از خدا پروا کنید، برای شما [بینایی و بصیرتی ویژه] برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد (انفال: ۲۹).

جایگزینی مال در باب انفاق:

«وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»: هرچه را انفاق می‌کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است (سبا: ۳۱).

چند برابر شدن مال به برکت انفاق:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»: مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند (بقره: ۲۶۱).

نصرت الهی در گرو یاری دین:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ»: ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد (محمد: ۷): «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»: و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند» (حج: ۴۰).

ازدیاد نعمت، دستاورد شکر:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»: اگر سپاس‌گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم (ابراهیم: ۷).

۱-۲-۲-۱۵. وعده به شرّ

عذاب الهی، پیامد کفر:

«وَلَيْسَ كَفَرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»: و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است» (ابراهیم: ۷).

آتش‌خواری ثمره حرام خواری:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا»: بی‌تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، فقط در شکم خود آتش می‌خورند (نساء: ۱۰).

مجازات الهی، پیامد کشتن عمدی مؤمن:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»: و هر کس مؤمنی را از روی عمد بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و وی را لعنت کند و عذابی بزرگ برایش آماده سازد (نساء: ۹۳).

نابودی اعمال، خطر ارتداد:

«وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»: و از شما کسانی که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند، همه اعمال خوبشان در دنیا و آخرت تباه و بی‌اثر می‌شود (بقره: ۲۱۷).

با توجه به آیات ذکرشده می‌توان گفت: زندگی مؤمنانه و سرشار از روحیه تعاون، خیرخواهی، امنیت، آرامش و فریادرسی از بینوایان، برخاسته از تمدن دینی است. این‌گونه زیستن زندگی اهل ایمان را سرشار از اخوت ایمانی و خیررسانی می‌کند، به زندگی مؤمنان صبغه الهی می‌بخشد و جامعه ایمانی را با سبک زندگی اسلامی رشد می‌دهد.

۶. نقش وعده‌های الهی در تمدن‌سازی، در زندگی انبیا

۱-۶. پیامبران، طلایه‌داران تمدن

نقش‌آفرینی وعده‌های الهی در تمدن بشری گستره وسیعی دارد؛ به‌گونه‌ای که تأثیر تحقق هر کدام از این وعده‌ها در پویایی فرهنگ و جامعه اسلامی، خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد. این مقاله، تنها به ارائه نمونه‌هایی از وعده‌های الهی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری جامعه متمدن، به ویژه با توجه به نقش وعده‌های الهی به انبیا بزرگ در تمدن‌سازی بشری، می‌پردازد.

حضرت نوح با صلابت تمام و اعتقاد راسخ به وعده الهی «وَأَصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا وَ



وَحِينَا وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ» (هود: ۳۷) شروع به ساختن کشتی کرد. مشرکان قومش در این راه او را مسخره می‌کردند: «وَ يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ»: و [نوح عليه السلام] کشتی را می‌ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می‌کردند، او را به مسخره می‌گرفتند (هود: ۳۸). اما او دل‌آرام به وعده الهی بود: «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَجْلُ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ»: به زودی خواهید دانست که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوارکننده و [در آخرت عذابی] پایدار خواهد رسید (هود: ۳۹).

شایسته است از حضرت نوح عليه السلام در میان پیامبران الهی، به عنوان الگوی مقاومت یاد کرد؛ زیرا حدود ۹۵۰ سال قبل از وقوع طوفان، از طرف خداوند متعال مأمور هدایت قوم خویش بود: «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»: و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میانشان درنگ کرد (عنکبوت: ۱۴)؛ اما تعداد اندکی از مردم به او ایمان آوردند: «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا»: ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود (نوح: ۶).

می‌توان گفت، بعد از عذاب الهی و آن طوفان سهمگین و نابودی تمدن پیشین، تمدنی جدید برای مؤمنان شکل گرفت: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَّةٌ سَنُنْتَعِبُهُمْ»: گفته شد: ای نوح، با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و امت‌هایی که با تو [از کشتی] فرود آی و امت‌هایی [از نسل همراهانت به وجود می‌آیند] که به زودی آنان را [از نعمت‌های خود] برخوردار می‌کنیم (هود: ۴۸).

حضرت ابراهیم عليه السلام شخصیتی عظیم با ابعاد مختلف داشت. برخی از ویژگی‌های مهم شخصیتی او عبارت است از: مبارزه با شرک و بت‌پرستی، احتجاج و مناظره‌های برهانی و قربانی کردن فرزندش اسماعیل عليه السلام. یکی از ابعاد مبارزاتی این پیامبر بزرگ، محاجه با طاغوت زمان (نمرود) است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ أُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»: آیا [با دیده عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود، [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی‌منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، [او] گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم [و برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی

محموم را حاضر کردند، یکی را آزاد کرد و دیگری را کشت. [ابراهیم] برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبهوت شد و خدا گروه ستمگر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی‌کند (بقره: ۲۵۸).

مأموریت دیگر ابراهیم علیه السلام انتقال قدرت و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی در سرزمین حجاز، با هجرت از بابل به فلسطین و سپس هجرت دادن خانواده از فلسطین به حجاز بود. به نظر می‌رسد برای برپایی تمدن اسلامی، از ابتدای خلقت برنامه‌ریزی شد و ساختن خانه خدا توسط حضرت آدم علیه السلام، شروع این برنامه‌ریزی بود؛ سپس حضرت ابراهیم علیه السلام این بنا را بازسازی نمود و از خداوند متعال آبادانی این سرزمین را درخواست کرد: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»: و [یاد کنید] آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را، آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند، از هر نوع میوه و محصول روزی بخش (بقره: ۱۲۶). ابراهیم علیه السلام خانواده‌اش را نیز در آن سرزمین ساکن نمود: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»: پروردگارا، من برخی از فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت و زرع نزد خانه حرمت‌یافته‌ات سکونت دادم؛ پروردگارا، برای اینکه نماز را بر پا دارند. پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقمند و متمایل کن و آنان را از انواع محصولات و میوه‌ها روزی بخش؛ باشد که سپاس‌گزاری کنند (ابراهیم: ۳۷).

حضرت موسی علیه السلام نیز به عنوان یکی از پیامبران بزرگ صاحب‌شریعت در عصر تمدن نامدار مصر می‌زیست و خود تمدنی را قوت بخشید که در حکومت حضرت یوسف علیه السلام، بر پایه توحید بنا شده بود و در زمان حکومت مقتدر داوود و سلیمان علیه السلام به اوج خود رسید. در این دوره به انسان‌ها وعده داده شده که آینده تاریخ بشر آینده روشنی است و سرانجام، حکومت زمین به دست صالحان و افراد متقی خواهد افتاد. در قرآن کریم سه آیه به این موضوع پرداخته، که دو آیه از آن‌ها مربوط به تحولاتی است که در این دوران بوده است. نخست در سوره اعراف می‌فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضْبِرُّوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»: موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید. یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌بخشد و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است



(اعراف: ۱۲۸). محتوای این آیه یک قانون کلی است و به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام اختصاص ندارد؛ چون فعل مضارع در آیه یادشده دلالت بر استمرار دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ۱۱۷). شاهد این مطلب فرازی از دعای شریف ندبه است: «إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ ق، ۵۷۸): چون زمین ملک خداست و هر که از بندگانش را بخواهد وارث ملک زمین خواهد کرد. عاقبت نیک عالم با اهل تقواست و پروردگار ما از هر نقص و آلائش پاک و منزّه است. وعده او حتمی است و هیچ‌گاه در وعده پروردگار خلاف نیست. او در کمال اقتدار و حکمت است.

دومین آیه در سوره قصص آمده است: «وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِي زَعُونَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های باارزش دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم. و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم و به فرعون و هامان و سپاهشان که از ایشان‌اند، چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی‌اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم (قصص: ۵ و ۶). این آیه بشارتی است برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و آنان که آرزومند برچیده شدن بساط ظلم و جور هستند؛ زیرا نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی‌اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کامل‌تر تحقق این وعده، حکومت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یارانش بعد از ظهور اسلام بود؛ حکومت پابره‌نه‌ها و تهی‌دستان باایمان و مظلومان پاکدل، که پیوسته از سوی فراغنه زمان خود ناچیز شمرده می‌شدند و تحت فشار و ستم قرار داشتند. کامل‌ترین نمونه تحقق این وعده الهی نیز حکومت جهانی سراسر عدل و داد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است. در زمان ایشان، کلمه توحید و تسبیح الهی سراسر گیتی را عطر آگین خواهد کرد.

حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز در زمان خود در مقابل انحراف فکری و عقیدتی مردم زمان خود (تعدد خدایان و تثلیث در توحید) ایستاد و با وعده ظهور پیامبر آخر الزمان به تمدن‌سازی و ترویج توحید ناب پرداخت. او در این راه متحمل سختی‌ها و رنج‌هایی مانند تهدید به کشته شدن و به دار آویخته شدن گردید: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي

رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُضْذَقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ:» و [یاد کن] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل، به یقین من فرستاده خدا به سوی شمایم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به پیامبری که بعد از من می‌آید و نامش «احمد» است مژده می‌دهم (صف:۶): «و قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»: و به سبب گفتار [سراسر دروغ]شان که: ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه بر آنان مُشْتَبِه شد [به این خاطر، شخصی را به گمان اینکه عیسی است به دار آویختند و کشتند] و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند و یقیناً او را نکشتند (نساء:۱۵۷).

آیه اخیر به روشنی از کشته نشدن حضرت عیسی عليه السلام سخن می‌گوید و به این نکته اشاره دارد که خداوند او را به سوی خود بالا برد. به این آیه نیز توجه کنید: «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا»: و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش [که لحظه روشن شدن حقایق است] به مسیح ایمان می‌آورد [که: او فرستاده خدا، بنده او و مژده‌دهنده به ظهور پیامبر اسلام است، ولی ایمان در آن لحظه سودبخش نیست] و مسیح روز قیامت بر [عقاید و اعمال] آنان گواه است (نساء:۱۵۹). مضمون این آیه هم آن است که تمام یهودیان پیش از مرگ به حضرت مسیح عليه السلام ایمان می‌آورند. با نگاه همزمان به این دو آیه، می‌توان به نقش مهم عیسی عليه السلام در ایجاد تمدن اسلامی در آخر الزمان اشاره کرد و عروج ایشان را یک تاکتیک الهی برای عصر ظهور دانست. همچنین باید یادآور شد که همراهی ایشان با حضرت مهدی عليه السلام، در زمانی که بیشتر مردم جهان مسیحی هستند، موجب گسترش سریع اسلام و اصلاح جهانی خواهد شد. در روایات نیز، شواهدی برای تأیید این سخن وجود دارد.

پیامبر اکرم عليه السلام نیز تمدنی نوین را بر پایه جهان‌بینی توحیدی تشکیل داد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»: اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ گرچه مشرکان خوش نداشته باشند (صف:۹). همان‌طور که انبیاء الهی از زمان حضرت موسی عليه السلام بشارت حکومت صالحان و مستضعفان را به انسان نوید داده‌اند، قرآن کریم نیز در آیه برجسته



و جامعی این نوید را با تأکید و ابعاد وسیع‌تر بیان فرموده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند - همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد - و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند؛ [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند. (نور: ۵۵) این وعده الهی امیدساز و انتظارآفرین است و بارقه روحیه و ایمان قوی به تحقق نصرت الهی را در آینده تاریخ بشریت رقم می‌زند. برپایی جلسات مهدویت‌شناسی، تشکیل مراکز تحقیقی و مجلات پژوهشی مهدوی، برقراری کانون‌های دعا و مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، توسعه مسجد جمکران و مانند آن، نمونه‌هایی از این فرهنگ ناب الهی است.

قرآن کریم با وعده و وعیده‌های مختلف باعث پیشرفت و ترقی این تمدن عظیم در جهات گوناگون گردید. این تمدن بخش وسیعی از مناطق جغرافیایی کره زمین را فراگرفت و هم‌اکنون نیز مسلمانان، بیش از یک‌چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. مساجد، گلدسته‌ها و مناره‌ها، کاشی‌کاری‌ها، کتابخانه‌ها، حوزه‌های علمی و دانشگاهی، بقاع متبرکه، مرقد امام‌زادگان، آرامستان‌ها و مانند آن، نمایان‌گر تحولات فرهنگی و تمدن‌آفرینی اندیشه اسلامی است.

۷. نقش وعده‌های الهی به مؤمنان، در تمدن‌سازی

وعده نصرت به مؤمنان: «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست (روم: ۴۷). این وعده قوت قلب مؤمنان را می‌افزاید و در عمل نیز، گاه منجر به افزایش قدرت و گاه موجب افزایش استقامت و پایداری آن‌ها می‌شود.

وعده‌های تبشیری و اندازی در کنار وعده به معاد: این وعده الهی باعث اصلاح مؤمنان می‌شود و آن‌ها را از طغیان و زیاده‌خواهی دور می‌کند. به این آیه توجه کنید: «قُلْ بَلَى وَ رَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبُّونَ بِمَا عَمِلْتُمْ»؛ بگو: آری، سوگند به پروردگارم، مسلماً برانگیخته خواهید شد؛ سپس شما را به آنچه انجام داده‌اید خبر خواهند داد (تغابن: ۷).

هجرت: گاه وعده‌های الهی منشأ هجرت اشخاص تأثیرگذار مانند سلمان فارسی و شماری از اهل کتاب به مدینه شده است؛ تاجایی‌که برخی از اهل کتاب به دین اسلام ایمان آوردند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا»: ولی از میان آنان (اهل کتاب)، استواران در دانش، مؤمنان [از یارانانت]، [به‌ویژه] نمازگزاران، زکات‌دهندگان و ایمان‌آوردگان به خدا و روز قیامت، به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شد ایمان می‌آورند. به‌زودی همه آنان را پاداشی بزرگ خواهیم داد (نساء: ۱۶۲).

نتیجه‌گیری

وعده و وعیدهای قرآنی - که گاه در قالب تبشیر بیان شده - یکی از مؤلفه‌هایی است که هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم، در شکل‌گیری و پایداری تمدن انسانی-اسلامی تأثیرگذار بوده است. این وعده‌ها زمانی که بدون پیش‌شرط باشد و امر حتمی خداوند را بیان کند، زمینه را برای ترسیم مسیر حیات بشری روشن‌تر می‌کند. از آنجا که فطرت بشر همواره سعادت‌طلب است، می‌کوشد این وعده‌ها را در جهت مسیر مطلوب زندگی و جامعه هدایت نماید. بالطبع زندگی جوامعی که به حیات پس از مرگ و روز قیامت ایمان دارند، با جوامعی که از این معارف فاصله دارند متفاوت خواهد بود. از طرفی، برخی از وعده و وعیدهای خداوند نیز مشروط است و همین نکته انسان‌ها را جهت پیروی از این وعده‌ها برمی‌انگیزد. چنانکه گذشت، بیشتر پیامبران الهی با اعتماد بر همین وعده‌های خود را راهنمایی کرده، فرهنگ و تمدنی دینی را در دوران خود پایه‌گذاری نمودند.

از آن‌جا که آیات قرآن به دوره‌ای خاص تعلق ندارد، امروزه نیز جوامع انسانی می‌توانند با بهره‌گیری از این آیات و وعده‌های تخلف‌ناپذیر خداوند، در راستای احیای تمدن اسلامی و به‌ویژه تشکیل تمدن نوین اسلامی اقدام کنند؛ تا ضمن برخورداری از یک زندگی سعادت‌مند، زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه گردند. ظهور دولت جهانی و عدالت‌گستر مهدوی خود یکی از وعده‌های حتمی خداوند در قرآن کریم است.

کتابنامه

- قرآن مجید
- ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵)، «نقش پیامبران در تمدن جهان»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۹۶.
- ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتبه الأعلام الاسلامی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر و الطباعة و النشر و التوزیع.
- انوری، حسن (۱۳۸۷)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- الویری، محسن (۱۳۹۴)، «کارکرد تمدن قرآنی؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی»، فلسفه و الهیات، شماره بیستم، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۴.
- پادشاه، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ جامع فارسی، تهران: کتابفروشی خیام.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسینی مرعشی تستری، نور الله (بی‌تا)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: دفتر آیه الله مرعشی نجفی.
- حلی، علی بن مطهر (بی‌تا)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مکتبه المصطفوی.
- خرازی، سید محسن (۱۴۲۲)، بدایة المعارف الالهیة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت: دارالقلم.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۲۵)، محاضرات فی الالهیات، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ساغری‌زاده، مهدی و علی لطفی (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های تمدن‌ساز در شخصیت حضرت موسی علیه السلام از دیدگاه قرآن کریم، قرآن، فرهنگ و تمدن، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۹.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۲)، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۴)، الاعتقادات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۵)، نهاية الحکمة، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶)، الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد، بیروت: دار الاضواء.
- فروهی، آرمان (۱۳۹۹)، «تأثیر هجرت انبیاء الهی بر تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم»، قرآن،

- فرهنگ و تمدن، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۹.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۷۵)، *اصول المعارف*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 - فتومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
 - محمدی، علی (۱۳۷۸)، *شرح کشف المراد*، قم: دار الفکر.
 - مشهدی، محمد (ابن المشهدی) (۱۴۱۹)، *المزار الکبیر*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 - معین، محمّد (۱۳۸۲)، *فرهنگ معین*، تهران: انتشارات زرین.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱)، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
 - منتظر القائم، اصغر و زهرا سلیمانی (۱۳۹۴)، *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی*، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه